

فصلنامه تاریخ اسلام

سال سوم، پاییز ۱۳۸۱، شماره مسلسل ۱۱، ص ۲۴-۵

سیره نبوی (ص) در کتاب بحارالانوار

حسن حسین زاده شانه‌چی*

سیره نبوی (ص) به لحاظ اهمیت نظری و عملی از دیرباز مورد توجه نویسندگان مسلمان بوده است. بی‌شک تحقیق صحیح و موفق در این باب می‌طلبد که کلیه منابع و روایات موجود مورد نظر و نقد و بررسی قرار گیرند. منابع شیعی در این زمینه به سبب عوامل مختلف سیاسی و مذهبی و اجتماعی یا از بین رفته یا شرایط بروز و ظهور نیافته‌اند، با این حال بخش عمده‌ای از روایات سیره در منابع شیعی متأخر یافت می‌شوند که برای پالایش و جرح و تعدیل روایات متداول در منابع مشهور و متعارف سیره بسیار ارزشمند می‌باشند. کتاب *بحارالانوار* گرچه از منابع متأخر به شمار می‌رود، ولی به جهت گردآوری روایات پراکنده منابع متعدد شیعی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: سیره نگاری، تشیع، روایات و منابع، بحارالانوار، مجلسی.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه تهران.

نگارش سیره نبوی به لحاظ جنبه دینی - نه صرفاً تاریخی و با انگیزه‌های تاریخ‌نگاری - از اواخر قرن اول قمری آغاز شد و هدف اساسی از آن، ثبت آن بخش از حوادث زندگانی رسول خدا (ص) بود که می‌توانست به نحوی در امور دین و دنیای مردم مفید و راهنما باشد و این اندیشه برخاسته از آموزه الهی «انّ لکم فی رسول الله اسوۃ حسنة»^(۱) بود. البته نقل روایات و حکایات سیره تا پیش از تدوین به طور شفاهی متداول بود و سرمشق زندگی مسلمانان، اما وقتی کلام «قیّدوا العلم بالکتابه»^(۲) آنان را به اهمیت ثبت و ضبط متوجه کرد به تدوین سیره دست زدند.

با پیدایش تاریخ‌نگاری اسلامی در دهه‌های آخر قرن اول قمری روایات سیره در آثار تاریخ‌نگاران مسلمان ظاهر شدند. مکتب تاریخ‌نگاری مدینه که برخی مؤسس آن را ابن شهاب زهری دانسته‌اند^(۳) برخلاف مکتب عراق توجه بیشتری به نقل روایات سیره داشت. با این حال تاریخ‌نگاران مکتب عراق از پرداختن به سیره پیامبر اکرم (ص) یکسره غافل نماندند و با کمی تأخیر روایات سیره بیشتر در آثار این مکتب نمایان شد.

جدا از ادبیات تاریخ‌نگاری، احادیث سیره رسول خدا (ص) به فراوانی در کتابهای روایی‌ای که نگارش آنها از حدود نیمه قرن دوم قمری آغاز شده بود یافت می‌شد. این نوشته‌ها که با انگیزه‌های خالص دینی و برای تبیین بخشی از سنت پیامبر - که در امور فردی و اجتماعی مسلمانان کاربرد داشت - به نگارش درآمده بودند بخش عمده‌ای از روایات سیره را در خود داشتند. مهمترین ویژگی آثار مذکور این بود که روایات آنها عمدتاً با ذکر سلسله سندهایشان نقل شده بودند و این امر به لحاظ سنجش اعتبار و صحت و سقم این روایات اهمیت بسیار داشت.

با وجود تلاش بسیار برای پالایش احادیث نبوی که روایات سیره را هم دربر می‌گرفت و

نمونه بارز آن نوشتن کتاب‌های صحاح بود تدوین سیره دچار تحریفات و دستکاری‌هایی شد که از انگیزه‌های سیاسی و مذهبی ناشی می‌شد. اشراف کلی حاکمان بر تدوین از مهمترین عوامل در این زمینه بود که ممانعت کلی از تدوین احادیث نبوی - که تا دهه‌های نخست قرن دوم ادامه داشت^(۴) - جعل و تحریف احادیث (از جمله معاویه تشویق می‌کرد روایاتی علیه علی(ع) و در فضایل عثمان و شیخین نقل کنند)^(۵) و عملکرد گزینشی در ثبت روایات (سلیمان بن عبدالملک کتاب ابان بن عثمان را سوزانید چون در آن از مناقب انصار یاد شده بود)^(۶) و خالد بن عبدالله قسری از زهری خواست چنان کتابی بنویسد که جایگاه علی(ع) را در جهنم بنمایاند^(۷) تحت همین اشراف کلی قرار داشتند، به همه آنها باید تعصبات مذهبی و جانب‌داری‌های فرقه‌ای را افزود که سبب تحریف و تأویل روایات سیره به شیوه‌های دلخواه می‌شد.

در کنار این روند کلی نگارش سیره، مکتب تدوین تشیع با هویتی متمایز قرار داشت. شیعیان علی‌رغم ممانعت از تدوین سنت پیامبر از همان دهه‌های آغازین به این کار مبادرت کردند و در میان انبوه احادیث، از سیره رسول خدا(ص) هم بسیار روایت می‌آوردند. رکن اساسی روایاتی که شیعیان در باب سیره نقل می‌کردند احادیثی بودند که از زبان امامان اهل بیت - علیهم السلام - شنیده بودند. استواری و صحت این دسته روایات به مقتضای «اهل البیت ادریٰ بما فی البیت» از روایاتِ راویان عثمانی و اموی بیشتر بود. امامان - علیهم السلام - به لحاظ اهمیت نظری و عملی سیره نبوی و هم به منظور پالایش روایات سیره و جداسازی غث و سمین آنها به نقل روایات مذکور می‌پرداختند. روایات ایشان یا به طور مسند از طریق پدرانشان به امام علی(ع) می‌رسد یا به کتاب‌هایی که آن حضرت نوشته بود. روایات امام علی(ع) نیز بخش عمده‌ای از روایات سیره را تشکیل می‌دهند که جدا از منقولات نهج البلاغه در کتاب‌های روایی دیگر به طور پراکنده موجودند.

با این حال در میان تألیفات شیعیان در دو قرن نخست قمری به ندرت کتابی می‌توان یافت که به سیره نبوی اختصاص یافته باشد (مانند کتاب المبعث والمغازی ابان بن عثمان بجلی، متوفی به سال ۱۵۰ق) و روایات سیره به طور عمده در اصول و کتب روایی ایشان نقل شده بودند، اما با اندکی تأخیر همین روایات در کتاب‌هایی که به سیره معصومین - علیهم‌السلام - اختصاص یافتند (مانند الارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی) و نیز در جوامع حدیثی گرد آمدند. ویژگی خاص این جوامع حدیثی همان حفظ اسانید روایات بود. از نخستین جوامع حدیثی باید به کتاب الکافی کلینی و از متأخرترین آنها به بحارالانوار مجلسی اشاره کرد.

بحارالانوار و مؤلف آن

محمدباقر مجلسی^(۸) (۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق) فرزند محمد تقی از دانشمندان بنام قرن یازده و دوازده قمری بود که نسب او از طرف مادری به حافظ ابونعیم اصفهانی (نویسنده حلیه الاولیاء) می‌رسید. وی تحصیل را در نزد پدرش که از عالمان عصر خویش بود آغاز کرد و سپس در نزد استادانی چون ملامحسن فیض کاشانی، محمد صالح مازندرانی، شیخ محمدبن حسن عاملی و... به کسب دانش پرداخت و به زودی در زمره عالمان زمان خود درآمد و به تربیت شاگردانی چون سیدنعمت‌الله جزایری، میرزا عبدالله افندی، میرزا مهدی مشهدی پرداخت.

عالمان شیعی در این زمان که شرایط سیاسی و مذهبی را مساعد می‌دیدند تلاش بسیاری برای گردآوری میراث علمی شیعه و نشر و گسترش آن به خرج دادند و کتاب‌های بسیاری در حوزه دین و مذهب به رشته تحریر درآوردند. مجلسی نیز همپای دیگر دانشمندان شیعه در این زمینه نقشی فعال داشت به طوری که از وی بالغ بر پنجاه کتاب و رساله به زبان عربی

و فارسی ذکر شده که بسیاری از آن‌ها باقی مانده‌اند، مهمترین تألیفات وی عبارتند از:

مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول (در شرح اصول کافی)؛

ملاذالاحیاء (در شرح کتاب الاستبصار شیخ طوسی)؛

بحارالانوار (مجموعه حدیثی)؛

حق‌الیقین (در اعتقادات به فارسی)؛

حیة القلوب (در اعتقادات و سیره به فارسی).

در میان تألیفات مجلسی کتاب بحارالانوار بزرگ‌ترین اثر وی به شمار می‌رود که مجموعه بزرگی از احادیث شیعه در ابواب مختلف اصول و فروع و آداب و سنن می‌باشد و تألیف آن حدود چهل سال به طول انجامید. مجلسی هدف از تألیف این کتاب را گردآوری احادیث و علوم اهل بیت - علیهم السلام - عنوان کرده است که در کتاب‌های مختلف پراکنده بوده و گذشت زمان و حوادث روزگار آنها را در معرض نابودی و نسیان قرار داده بود:

«در پی اصول معتبری برآمدم که مهجور مانده بودند و در طی سالیان دراز و

مدت‌های مدید به حال خود رها شده بودند به جهت استیلائی حاکمان مخالف شیعه و

رهبران گمراهی یا به علت رواج علوم باطله در میان جاهلان مدعی علم و فضل یا به علت

کم توجهی بعضی از متأخرین و اکتفا به کتب مشهور و متداول...»^(۹)

وی اظهار می‌دارد که برای دستیابی به این کتب در شرق و غرب بلاد اسلامی تلاش بسیاری به کار بست و تصمیم گرفت آنها را در یک کتاب گرد آورد تا از خطر نابودی و نسیان نجات یابند و بدین منظور روایات آنها را که در ابواب مختلف پراکنده بودند در یک فصل بندی جدید و متناسب در قالب کتاب بحارالانوار جمع نمود.^(۱۰) او کتاب خود را در ۲۵ جلد و مشتمل بر ۲۳۰۰ باب تنظیم کرد که مجلدات و ابواب اولیه به اصول دین و ابواب بعدی به آداب و سنن و فروع فقهی اختصاص یافته است.

نخستین چاپ بحارالانوار به سال ۱۲۴۸ قمری در هندوستان صورت گرفت که تنها برخی از مجلدات آن منتشر شد. چاپ دوم آن در ۱۳۰۳ قمری به همت حاج محمدحسن اصفهانی معروف به کمپانی، امین دارالضرب تهران، آغاز و در ۱۳۱۵ قمری یعنی یک سال پس از مرگ وی به اتمام رسید؛ این چاپ سنگی که به چاپ کمپانی معروف است در ۲۵ جلد به قطع رحلی در چاپخانه‌های تهران و تبریز صورت گرفت. چاپ جدید بحارالانوار در ۱۳۷۶ قمری (۱۳۳۶ ه. ش) در انتشارات کتابفروشی اسلامی و دارالکتب الاسلامیه در یکصدوده جلد انجام شد که بارها تجدید چاپ شده است و با تحقیق و تعلیقات علامه طباطبائی و عبدالرحیم ربانی شیرازی و محمدباقر بهبودی و... همراه است، بعدها مؤسسه الوفاء و داراحیاء التراث العربی این چاپ را تجدید کردند.

جلد ششم از چاپ قدیم بحارالانوار که منطبق با مجلدات ۱۵ تا ۲۲ چاپ جدید است به سیره نبی اکرم (ص) اختصاص یافته است.

ابواب کتاب سیره

مؤلف بخش سیره کتابش را که «تاریخ پیامبر» نامیده در پنج بخش تنظیم کرده است:

- ابواب متعلق به ولادت، رشد و نمو، ازدواج، صفات و خصوصیات شخصی رسول خدا؛
- ابواب متعلق به معجزات؛
- ابواب متعلق به احوالات پیامبر از بعثت تا حوادث دوران مدینه؛
- ابواب متعلق به همسران، فرزندان، خویشان و اصحاب پیامبر؛
- ابواب متعلق به درگذشت نبی اکرم (ص)

هر یک از این بخش‌ها مشتمل بر ابواب متعدد و در مجموع دارای ۲۶۵۵ حدیث می‌باشند

به شرح زیر:

بخش نخست شامل هجده باب و ۷۸۵ حدیث است که عنوان کلی مهمترین ابواب آن عبارت‌اند از: خلقت حضرت محمد(ص) و بیان احوالات پدران و نیاکان ایشان و اعراب جاهلیت، ذکر بشارت‌ها به ولادت و نبوت پیامبر، تاریخ ولادت و امور مربوط به آن و ظهور معجزات، شیرخوارگی و دوران رشد، ازدواج با خدیجه و برخی احوالات وی، نام‌ها و القاب حضرت محمد(ص) و ذکر لوازم شخصی ایشان (سلاح، لباس، انگشتر و...)، بیان معنای برخی آیات در شأن حضرت محمد(ص)، ویژگی‌های شخصی و مکارم اخلاق و اوصاف نفسانی، وجوب اطاعت و دوستی و تجلیل و بزرگداشت ایشان، درباره عصمت و وجوه آن، سهوالنبی، علم رسول خدا، کتب و وصایای انبیا که نزد ایشان بود، فصاحت و بلاغت پیامبر.

بخش دوم ابواب مربوط به معجزات رسول خدا(ص) است و مشتمل بر دوازده باب و ۳۴۲ روایت که در آن درباره حقیقت معجزه و وجوه اعجاز قرآن و ذکر دیگر معجزاتی که از آن حضرت نقل شده، مانند اخبار غیبی، زنده کردن مردگان، شفای بیماران، شق القمر و ردّالشمس و... بحث شده است.

بخش سوم در ۳۶ باب و شامل ۱۰۰۴ روایت مفصل‌ترین بخش کتاب سیره است که مهمترین وقایع سیره و مغازی را در خود جای داده است، ابواب این بخش شامل: بعثت و اظهار دعوت، نزول وحی و کیفیت آن، معراج، هجرت به حبشه، محاصره در شعب ابوطالب و دعوت قبایل و وفات ابوطالب و خدیجه، هجرت به مدینه و لیلۃ المبیّت، ورود به مدینه و بنای مسجد و ذکر حوادث تا آغاز غزوات، ذکر غزوات و حوادث تا غزوه بدر کبری، تغییر قبله، غزوه بدر، حوادث بعد از بدر تا غزوه احد، غزوه احد و حمراء الاسد، غزوه رجیع و بئر معونه، غزوه بنی‌نضیر، غزوه ذات‌الرقاع، بدر صغری و ذکر حوادث تا جنگ خندق و بنی‌قریظه، غزوه بنی‌مصطلق و ذکر حوادث تا صلح حدیبیه، قصه افک، غزوه حدیبیه و بیعت رضوان و عمره القضاء، نامه‌های پیامبر به پادشاهان و ذکر حوادث تا غزوه خیبر، غزوه خیبر و فدک، حوادث بعد

از خیبر تا جنگ مؤته، جنگ مؤته و حوادث بعد از آن تا جنگ ذات السلاسل، غزوه ذات السلاسل، فتح مکه، حوادث بعد از فتح تا غزوه حنین، غزوه حنین و طائف و ذکر حوادث تا غزوه تبوک، غزوه تبوک و ماجرای عقبه، مسجد ضرار، نزول سوره براءت، ماجرای مباحله، غزوه عمروبن معدیکرب، فرستادن علی(ع) به یمن، آمدن وفود به نزد پیامبر و ذکر حوادث تا حجةالوداع ذکر وقایع تا بازگشت به مدینه و تا زمان وفات رسول خدا، ماجراهای رسول خدا(ص) با اهل کتاب و مشرکان از هجرت به مدینه تا وفات.

بخش چهارم شامل چهارده باب و ۳۹۳ حدیث درباره فرزندان پیامبر و احوالات ایشان، همسران پیامبر، احوالات ام سلمه، احوالات عایشه و حفصه، خاندان و خویشان و نزدیکان پیامبر، صدقات و اوقاف رسول خدا(ص)، مهاجرین و انصار و سایر اصحاب، احوالات قریش و دیگر قبایل عرب، فضایل سلمان، مقداد و ابوذر و عمار و برخی اصحاب، اسلام آوردن سلمان و احوالات او، احوالات ابوذر، احوالات مقداد و بعضی اصحاب، فضایل امت پیامبر و اخبار مربوط به آینده ایشان می باشد.

بخش پنجم در سه باب و مشتمل بر ۱۳۱ حدیث و ابواب آن عبارت اند از: وصیت رسول خدا(ص) به هنگام وفات و خبر تدارک سپاه اسامه، وفات و غسل و نماز و دفن پیامبر، کراماتی که بعد از وفات آن حضرت ظاهر شدند.

منابع و مأخذ

مجلسی در ابتدای کتابش نام کلیه مصادر خود را همراه نام مؤلفان آنها ذکر کرده است.^(۱۱) و سپس به توثیق آنها پرداخته یعنی درباره وثاقت و اعتبارشان سخن گفته است و اگر طعن و جرحی بر آنها وارد شده ذکر کرده و اگر مدح و توثیقی صورت گرفته بیان کرده است.^(۱۲) و چنانچه کتابی به اشتباه به نویسندگانی منتسب شده آن را تصحیح نموده و در برخی موارد به

شرح حال مؤلف و ذکر استادان و مشایخ وی پرداخته است.^(۱۳)

علاوه بر اینها در توثیق مصادر خود مطالبی را از مقدمه برخی از همین کتابها آورده است که مؤلفین آنها در توثیق مصادر روایی و اسانیدشان بیان داشته‌اند، برای نمونه مقدمه ابن شهر آشوب بر کتابش (مناقب آل‌ابی طالب) را آورده که در آن مؤلف اسناد و مشایخ روایت خویش را نام برده و روایات و سندهای مورد اعتمادش را ذکر کرده است،^(۱۴) همچنین مقدمه طبرسی را بر کتابش (الاحتجاج)^(۱۵) و مقدمه کتاب سلیم بن قیس هلالی^(۱۶) و چند کتاب دیگر را آورده است که کمک بسیار به نقد و بررسی روایات آنها می‌نماید.

مجموع مصادری که مؤلف در مقدمه بحارالانوار ذکر کرده بالغ بر ۴۵۰ کتاب و رساله است،^(۱۷) ولی به نظر می‌رسد شمار تمام منابعی که از آنها در متن کتاب یاد شده حدود ۶۲۹ اثر باشد.^(۱۸) با توجه به این که هدف مؤلف گردآوری آثار شیعی بوده تذکر می‌دهد که به چند منظور از منابع اهل سنت نیز نقل کرده است: برای شرح و توضیح الفاظ و معانی آنها، برای احتجاج بر خودشان و ردّ اشکالات آنها با توجه به منابع ایشان، برای تأیید روایات شیعی از طریق آثار غیر شیعی و نقل روایات شیعی‌ای که در کتابهای اهل سنت آمده است.^(۱۹)

مجلسی هر روایت را با ذکر مصدر آن در ابتدای روایت آورده است، وی به منظور اختصار و سهولت کار برای برخی منابع خود که بیشتر مورد مراجعه بوده‌اند رمزهایی از حروف الفبا قرار داده است که به جای نام کامل کتاب در ابتدای روایت ذکر شده‌اند مانند: «ع» برای کتاب *علل الشرایع*، «ج» برای کتاب *احتجاج* و «ثا» برای کتاب *الارشاد*. مجموع مصادری که با رمز مشخص شده‌اند ۸۴ کتاب می‌باشند، اما کتابهای کوچک‌تر یا آنهایی که کمتر بدانها مراجعه شده یا چندان مورد اعتماد نبوده‌اند^(۲۰) نام کاملشان در ابتدای روایات ذکر شده است. منابعی که در کتاب سیره از آنها بهره گرفته است بالغ بر هفتاد کتاب و مشتمل بر تفاسیر قرآن و نهج‌البلاغه و کتابهای روایی و تاریخی شیعه و برخی منابع اهل سنت می‌باشد

و عبارتند از:

- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)؛
- تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷ق)؛
- تفسیر محمد بن مسعود عیاشی (۲۶۰ق)؛
- تفسیر محمد بن ابراهیم نعمانی (۳۴۲ق)؛
- تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی (قرن چهارم ق)؛
- تفسیر مجمع البیان طبرسی (۵۴۸ق)؛
- نهج البلاغه؛
- کتاب سلیم بن قیس؛
- صحیفه الرضا (ع)؛
- قرب الاسناد - ابوجعفر عبدالله حمیری (۲۹۸ق)؛
- کتاب المؤمن - حسین بن سعید اهوازی (حدود ۲۵۰ق)؛
- المحاسن - احمد بن محمد برقی (۲۸۰ق)؛
- بصائر الدرجات - محمد بن حسن صفار (۲۹۰ق)؛
- الغارات - ابراهیم بن محمد تقفی (۲۸۳ق)؛
- الکافی - محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ق)؛
- التمهیص - محمد بن همام بن سهیل (۳۳۲ق)؛
- الغیبه - محمد بن ابراهیم نعمانی (۳۴۲ق)؛
- التهذیب - محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق (۳۸۱ق)؛
- من لا یحضره الفقیه - صدوق؛
- الخصال - صدوق؛

- الامالی - صدوق؛
- عیون اخبار الرضا - صدوق؛
- التوحید - صدوق؛
- کمال الدین و تمام النعمه - صدوق؛
- علل الشرایع والاحکام - صدوق؛
- معانی الاخبار - صدوق؛
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال - صدوق؛
- کشف الغمه - علی بن عیسی اربلی (۳۹۲ق)؛
- مقتضب الاثر - احمد بن محمد بن عیاش جوهری؛
- الارشاد - محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید (۴۱۱ق)؛
- الاختصاص - شیخ مفید؛
- الامالی - شیخ مفید؛
- تنزیه الانبیاء - علی بن حسین موسوی سیدمرتضی (۴۳۶ق)؛
- الامالی - محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ق)؛
- مکارم الاخلاق - حسن بن فضل طبرسی (قرن پنجم ق)؛
- قصص الانبیاء - فضل الله راوندی (بعد از ۵۴۸ق)؛
- اعلام الوری - فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ق)؛
- النوادر - قطب الدین راوندی (۵۷۳ق)؛
- الخرایج و الجرایح - راوندی؛
- مناقب آل ابی طالب - علی بن شهر آشوب (۵۸۸ق)؛
- الاحتجاج - احمد بن علی طبرسی (قرن ششم ق)؛

- روضة الواعظین - محمد بن حسن بن فارسی (قرن ششم ق)؛
 - کتاب الشفاء فی تعريف المصطفى - قاضی عیاض (٥٤٤ق)؛
 - سعد السعود - علی بن موسی بن طاووس حسینی (٦٦٨ق)؛
 - جمال الاسبوع - ابن طاووس؛
 - اقبال الاعمال - ابن طاووس؛
 - فرج المهموم - ابن طاووس؛
 - مصباح الزاير - ابن طاووس؛
 - شرح نهج البلاغه - عبدالحمید بن ابی الحدید (٦٥٥ق)؛
 - کتاب الروضه فی المعجزات و الفضائل؛
 - الفضائل - جبرئیل بن شاذان (٦٦٠ق)؛
 - کتاب المعراج - شیخ ابو محمد حسن؛
 - الکامل فی التاریخ - ابن اثیر (٦٣٠ق)؛
 - ارشاد القلوب - حسن بن ابی الحسن دیلمی (٧٧١ق)؛
 - العدد القویمه - علامه علی بن یوسف حلّی (٧٢٦ق)؛
 - مختصر بصائر الدرجات - حسن بن سلیمان حلّی (قرن هشتم ق)؛
 - کتاب الانوار - ابوالحسن بکری (٩٥٢ق)؛
 - رسایل شهید ثانی (٩٦٦ق)؛
 - المنتقى فی مولد المصطفى - کازرونی؛
 - الصحاح (فی اللغة) - اسماعیل بن حماد جوهری (حدود ٤٠٠ق)؛
 - النهایه - ابن الاثیر الجزری (٦٠٦ق)؛
 - قاموس المحيط - فیروز آبادی (٨١٧ق).

اینها مهمترین مصادری هستند که مجلسی در باب سیره از آنها نقل کرده است. به جز اینها از کتابها و رساله‌های متعددی در شرح و توضیح روایات یا در بحث‌های اعتقادی که مطرح کرده، بهره جسته است؛ همچنین از بسیاری از کتابها به طور غیر مستقیم نقل قول کرده است، مانند نقل‌هایی از واقدی، ابن اسحق، کلبی، طبری و دیگران که در کتاب‌های *کشف الغمه*، *منقب آل ابی طالب و الفضائل* و... آمده و مجلسی آنها را به جای خود ذکر کرده است.

شیوه تدوین

- نقل آیات: مؤلف در ابتدای هر باب آیتی را که با عنوان باب متناسب هستند با ذکر نام سوره و شماره آیه ذکر می‌کند. بدیهی است در برخی ابواب، آیتی متناسب با موضوع آنها وجود ندارد، از آن جمله ابواب ۲ و ۴ و ۶ و ۷ و ۱۲ از بخش معجزات رسول خدا(ص)^(۲۱) و باب هفدهم و هجدهم از بخش اول^(۲۲) وی پس از ذکر آیات، تفسیر کلی آنها را عمدتاً از تفسیر *مجمع البیان* طبرسی نقل می‌کند و سپس به ذکر روایات می‌پردازد.

- نقل روایات: مؤلف در هر باب کلیه روایاتی را که در موضوع مربوط یافته ذکر کرده است. او در ذکر روایات ترتیب زمانی مصادر را رعایت نکرده و گاه روایات مصادر متأخر قبل از مصادر متقدم آمده‌اند، ولی به توالی زمانی رویدادها توجه داشته است. مجلسی نخست نام مأخذ خود را اغلب به صورت رمز و گاه به طور کامل - و اگر یک روایت در چند مأخذ موجود بوده نام یا رمز همه آنها را - آورده و سپس سند روایت را ذکر می‌کند. با آن که وی به ذکر سند روایات تأکید داشته، چنان که در مقدمه کتاب هم اشاره می‌کند،^(۲۳) در برخی موارد جهت اختصار از ذکر تمام سند خودداری کرده است. این موارد در خصوص سندهایی است که بارها تکرار شده‌اند و روایات متعددی از طریق آنها نقل گردیده، وی در مقدمه کتاب این اسانید را

ذکر کرده و تذکر داده است که در متن کتاب، هر یک از این سندها را فقط با نام اولین راوی آنها مشخص کرده است،^(۲۴) برای مثال همه روایاتی که در کتاب *قرب الاسناد* از طریق «سندی بن محمد از ابوالبختری وهب بن وهب قرشی» نقل شده در متن با عنوان «به سند خود از ابوالبختری» نقل کرده است.^(۲۵)

مؤلف از ذکر خبرهای مشابه در یک باب پرهیز کرده است. در مواردی که یک خبر با سندهای متفاوت در چند مصدر وجود داشته خبر مذکور را از یکی از مصادر ذکر کرده و سپس تذکر داده است که همان خبر در کتابی دیگر وجود دارد و سند آن را بدون نقل خبر ذکر می‌کند^(۲۶) و چنانچه دو خبر مذکور به لحاظ سند و متن کاملاً مشابه هستند پس از بیان روایت یکی از مصادر به ذکر نام مصدر یا مصادر دیگر بسنده می‌کند^(۲۷) و اگر میان دو خبر اختلاف ناچیزی باشد اشاره می‌کند.^(۲۸) در مواردی که دو روایت متفاوت دارای سند یکسان هستند پس از ذکر مصدر روایت دوم و تأکید بر این که سند آن، همان سند روایت نخست است کل روایت را ذکر می‌نماید.^(۲۹)

مؤلف همچنین به جهت پرهیز از طولانی شدن مباحث هر باب، گاه از ذکر کلیه اخباری که در یک مصدر موجود است و با موضوع پیوند دارند خودداری می‌کند ضمن این که به وجود این روایات در آن مصدر اشاره می‌نماید، برای مثال در ذیل خبری از کتاب *سعد السعود* در باب بشارت‌ها می‌گوید «وی (ابن طاووس) بشارت‌های بسیاری در کتابش آورده که با بیان آنها سخن را طولانی نمی‌کنیم و همین خبر که ذکر کردیم بسنده است».^(۳۰) در ضمن به ندرت یک خبر را که با موضوع دو باب مختلف تناسب دارد در هر دو باب ذکر می‌کند مثلاً در ذیل روایتی از کتاب *احتجاج* در باب معجزات می‌گوید «این خبر و شرح آن در جلد چهارم (دهم) آمده، ولی در این جا هم ذکر کردیم زیرا با موضوع این جلد تناسب بیشتری دارد».^(۳۱)

- شرح و توضیح: مجلسی ضمن ذکر روایات هر جا نیاز دیده به شرح و توضیح پرداخته

است. وی در بسیاری موارد الفاظ دشوار و اصطلاحات را معنا کرده یا نکات دستوری‌ای را که در فهم روایات سودمند هستند تذکر داده و در این زمینه بیشتر از کتاب‌های *الصحاح* جوهری، *قاموس المحيط* فیروزآبادی و *النهایه* جزری و کتاب‌های دیگر بهره گرفته است. در ذیل بعضی روایات به ترجمه و شرح اشعار موجود در آنها پرداخته است. توضیح دربارهٔ اماکن جغرافیایی ذکر شده در روایات نیز اگر چه به ندرت مورد توجه مؤلف بوده است.

علاوه بر توضیحات لغوی، مجلسی به شرح روایات و بیان مفاهیم و نکات قابل برداشت از آنها یا تبیین نکات مبهم یا اختلافات و تعارضات احتمالی میان روایت اقدام کرده و به اشکالات موجود پیرامون آنها پاسخ گفته است، این توضیحات با عناوینی چون «بیان»، «اقول»، «تبیین»، «توضیح»، «تذیل»، آغاز می‌شوند که سخن مؤلف را از متن روایات جدا می‌سازند.

- نقد و بررسی: گرچه هدف مؤلف صرفاً گردآوری روایات و تبویب آنها بوده، ولی کار او خالی از عنصر نقد و بررسی نیست. وی هم در مقدمهٔ کتاب (هنگام معرفی مصادر) و هم در متن کتاب به این نکته توجه داشته است. در مقدمهٔ کتاب پس از معرفی اجمالی مصادر خود به توثیق آنها پرداخته است و اگر نکته‌ای منفی حیثیت و اعتبار آنها را خدشه‌دار کرده یادآور شده، مثلاً دربارهٔ کتاب احتجاج می‌گوید «گرچه بیشتر اخبار آن مرسل هستند ولی از کتاب‌های معروف و متداول است...»^(۳۲) یا دربارهٔ *حافظ رجب برسی* و کتاب‌های او می‌گوید «به روایاتی که فقط وی نقل کرده اعتماد نکردم، زیرا این دو کتاب او مطالبی را در بر دارد که موجب غلو و اشتباه می‌شوند و تنها روایات موافق با اصول معتبره را از وی اخذ کرده‌ام»^(۳۳) و در کنار اینها از کتاب‌های معتبر با ستایش و تجلیل یاد کرده است.

وی در متن کتاب نیز گاه به نقد سند یا متن روایات پرداخته است از آن جمله در ذیل خبری از کتاب *الفضائل* در باب کودکی پیامبر می‌گوید «این خبر چون از طریق مخالفین نقل

شده زیاد مورد اعتماد نیست اما آن را ذکر کردیم، زیرا در آن نکاتی است که عقل از پذیرشش ابایی ندارد»^(۳۴) یا در ذیل روایتی در باب معراج از کتاب *امالی* می‌گوید «این روایت از روایات آحاد است که یقینی حاصل نمی‌کند به علاوه تضعیف هم شده است».^(۳۵) او فقط به نقد سند روایات بسنده نکرده و به بررسی متن روایت هم توجه داشته است چنان که پس از ذکر روایتی از کتاب *عیون اخبار الرضا* در باب تاریخ بعثت می‌گوید «این خبر مخالف با سایر اخبار مستفیضه است...»^(۳۶) و سپس وجوهی را در بیان معنای روایت ذکر می‌کند.

علاوه بر اینها مؤلف به مقابله و مقایسه روایات و موارد اختلاف یا احتمالاً تعارض آنها توجه داشته و به ردّ و ایراد و ذکر وجوهی احتمالی برای جمع میان روایات و برطرف کردن موارد اختلاف پرداخته است.

- هماهنگی مطالب: مؤلف هم به جهت رعایت اختصار و پرهیز از تکرار و هم به جهت هماهنگی میان مطالب کتاب و تسهیل دستیابی به مطالب مربوط به هر موضوع در ذیل بسیاری از روایات به وجود روایات دیگری در همان موضوع یا موضوعاتی متناسب با آن در ابواب دیگر اشاره کرده است، چنانچه خبری متناسب با موضوع مورد بحث در ابواب قبلی آمده ذکر می‌کند و اگر چنین روایاتی در ابواب بعدی خواهد آمد متذکر می‌شود، مثلاً در باب احوالات حضرت خدیجه می‌گوید «بعضی فضایل او در باب احوالات ابوطالب خواهد آمد»^(۳۷) یا درباره تاریخ وفاتش می‌گوید «تاریخ وفات وی را در باب مبعث خواهیم آورد».^(۳۸) در بعضی موارد بخشی از روایت را در بابی می‌آورد اما گوشزد می‌کند که تمام خبر در باب خودش خواهد آمد مثلاً در ذیل خبری از جنگ بدر می‌گوید «تمام این روایت همراه با سند آن در کتاب دعا خواهد آمد»^(۳۹) و یا اشاره می‌کند که شرح و توضیح روایت در ابواب دیگر موجود است.^(۴۰) بدین ترتیب اطلاعات کلی درباره ابواب مختلف و موضوعات آنها را در اختیار خواننده قرار می‌دهد و دستیابی به اخبار و روایات مرتبط با هم را برای خواننده آسان می‌سازد.

- طرح بحث‌های اعتقادی: بسیاری از روایات سیره مشتمل بر مطالبی هستند که ارتباط مستقیم با اصول اعتقادات دارند، از این رو مؤلف در ذیل این قبیل روایات بحث‌های اعتقادی و کلامی را مطرح می‌کند و در آن‌ها به شرح و توضیح نکات روایات می‌پردازد، مثلاً در باب معجزات پیامبر بحث مفصلی درباره حقیقت معجزه و وجوه دلالت معجزات بر حقانیت نبوت پیامبر ارائه می‌کند.^(۴۱) در این بحث‌ها اغلب اشکالات و شبهات مخالفان و منکران را مطرح کرده و با ذکر اقوال علما و نظریات خویش به ردّ و جواب آنها پرداخته است و گاه به تصحیح برخی اشتباهات علمای سلف اشاره کرده است؛ از جمله بحث‌های اعتقادی در ابواب سیره می‌توان به این موارد اشاره کرد: معراج و کیفیت آن،^(۴۲) وحی و کیفیت آن،^(۴۳) و عصمت.^(۴۴) بی‌شک مبحث سیره نبوی در کتاب بحارالانوار دارای کاستی‌هایی است که بیشتر به اهداف مورد نظر در تألیف این کتاب باز می‌گردد. با این حال باید اذعان داشت که مجموعه روایات موجود در این زمینه در بحارالانوار به لحاظ کثرت و میزان اعتبار و نیز شرح و توضیحات نویسنده اطلاعات گسترده و ارزنده‌ای در اختیار محقق قرار می‌دهد.

پی نوشت ها:

۱. احزاب (۳۳) آیه ۲۱.
۲. گفته حضرت رسول به نقل از: ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۸.
۳. سید صادق سجادی و هادی عالم زاده، تاریخنگاری در اسلام، ص ۵۱.
۴. برای اطلاع بیشتر در این باره نگاه کنید به: علی شهرستانی، منع تدوین الحدیث.
۵. عبدالحمید بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۰ به نقل از ابوالحسن مدائنی.
۶. عبدالحمید صائب، علم التاریخ، ص ۹۳، به نقل از الموفقیات، نوشته زبیر بن بکار، ص ۲۲۲.
۷. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۲۱.
۸. درباره شرح حال مجلسی نگاه کنید به: ریحانة الادب، ج ۵ و روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۱۸ و اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۲.
۹. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۳.
۱۰. همان، ص ۴.
۱۱. همان، ص ۶-۴۸.
۱۲. برای نمونه رک: همان، ص ۲۸-۲۹ و ۳۲.
۱۳. برای نمونه رک: همان ص ۱۴ و ۴۴ و ۴۵.
۱۴. همان، ص ۶۲.
۱۵. همان، ص ۷۴.
۱۶. همان، ص ۷۶.
۱۷. رک: همان، ص ۲۴-۲۵.
۱۸. گروهی، المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۸.
۱۹. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱، ص ۴۸.
۲۰. همان جا.
۲۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۲۵ و ۳۶۲؛ ج ۱۸، ص ۱ و ۲۳ و ۱۴۴.

۲۲. رک: همان، ج ۱۷، ص ۱۳۰ و ۱۵۶.
۲۳. همان، ج ۱، ص ۴۸.
۲۴. همان، ص ۴۸ - ۶۱.
۲۵. همان، ص ۴۸.
۲۶. برای نمونه رک: همان، ج ۱۶ ص ۱۷۳ و ۲۸۰ و ۳۱۴.
۲۷. برای نمونه: همان، ج ۱۵ ص ۳۴۰؛ ج ۱۶، ص ۹۹.
۲۸. برای نمونه: همان، ج ۱۵، ص ۱۳۲ و ۳۱۶.
۲۹. برای نمونه: همان، ج ۱۶، ص ۳۲۵؛ ج ۱۸، ص ۳۷۱.
۳۰. همان، ج ۱۵، ص ۲۴۱.
۳۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۹۸.
۳۲. همان، ج ۱، مقدمه مؤلف ص ۲۸.
۳۳. همان، ۱۰.
۳۴. همان، ج ۱۵، ص ۳۵۷.
۳۵. همان، ج ۱۸، ص ۳۴۹.
۳۶. همان، ص ۱۹۰.
۳۷. همان، ج ۱۶، ص ۲.
۳۸. همان، ص ۲۰.
۳۹. همان، ج ۱۹، ص ۳۱۰.
۴۰. برای نمونه: همان، ج ۱۶، ص ۲۱۹.
۴۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۲۲.
۴۲. همان، ج ۱۸، ص ۲۸۹.
۴۳. همان، ص ۲۴۸.
۴۴. همان، ج ۱۷، ص ۴۰.

منابع:

- اصفهانی، ابوالفرج، **الاعانی** (بیروت، دارالفکر، بی تا).
- الحرائی، حسن بن علی بن شعبه، **تحف العقول** (قم، انتشارات بعثت، بی تا).
- سجادی، سیدصادق و عالم زاده، هادی، **تاریخنگاری در اسلام** (تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵).
- شهرستانی، علی، **منع تدوین الحدیث** (قم مؤسسه الامام علی علیه السلام، ۱۴۱۸ق).
- عبدالحمید، صائب، **علم التاریخ** (بیروت، الغدیر، ۱۴۲۱ق).
- گروهی، **المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار** (قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ق).
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار** چاپ دوم (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش).
- المعتزلی، عبدالحمید بن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه** (بیروت، داراحیا التراث العربی، ۱۳۸۶ق).